

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



One of the streets after the liberation of Khorramshahr/ May 1982

یکی از کوچه‌های شهر خرمشهر پس از آزادسازی / خرداد ۱۳۶۱

در این ویرانه‌ها چه می‌جویی؟  
این کوچه‌های ویران که هنوز داغ جنگ  
بر پیشانی دارند و یا آن چه در تنگنای این  
کوچه‌ها و در دل این خانه‌ها گذشته است؟  
دفترچه‌های مشق شب کودکانی که اکنون  
سال‌هاست دوران کودکی را ترک گفته‌اند؟  
و یا کهنه‌تصویرهایی از مشت‌های فرو بسته  
و دهان‌هایی که به فریاد باز شده‌اند؟  
بر فراز پله‌های ویران، از روزن پنجره‌ها،  
در لابه‌لای نخل‌های آتش گرفته... چه  
می‌جویی؟ لوحی محفوظ که همه‌ی آن چه  
را که در گذشته اتفاق افتاده است را بر تو  
عرضه دارد؟  
سید مرتضی آوینی

What are you looking for in these ruins? These ravaged alleys, which still bear the scars of war, or the memories of what has transpired in their length and in the hearts of these houses? Is it the exercise books of pupils who have long passed beyond childhood? Or have you come for the tired images of clenched fists and shouting mouths? What do you seek on top of the ruined steps, broken window sills and in between the blazing palms? Is it a secretly kept script that would show you the events of the past?

Seyed Morteza Avini

# عکاسان جنگ

(عراق علیه ایران)

۱۳۵۹

۱۳۶۷

احمد  
علیزاده نوحی

## War Photographers

(Iraq Against Iran)

1980-1988

Ahmad

Alizade Noohi



### عکاسان جنگ -۳

(عراق علیه ایران ۱۳۵۹-۱۳۶۷)

احمد علیزاده نوحی

چاپ اول: ۱۳۹۲- تهران، ۱۴۸ صفحه، مصور  
شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه، قیمت: ۲۵۰/۰۰۰ ریال  
مدیر هنری و محتوایی: سیدعباس میرهاشمی، فرهاد سلیمانی  
مدیر تولید: یوسف گرامی  
مدیر پروژه، تحقیق و شرح عکس: حسین بهرامی  
گرافیک:  
صفحه آرایی: سیدحامد میرهاشمی  
صفحه آرایی صفحات مقدماتی: حامد جابرها  
ویرایش عکس: سیدحامد میرهاشمی  
رتوش: کامران خطیبی  
ویراستار: علی رضا اشتری  
ترجمه: مجتبی احمدخان  
لینوگرافی: فرآیند گویا / چاپ: نقره آبی  
صحافی: علی

تمامی حقوق مادی و معنوی عکس ها و متون  
برای عکاس و ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده  
بدون مجوز پیگرد قانونی دارد.

### War Photographers-3

Iraq against Iran 1980-1988

Ahmad Alizadeh Noohi

1st Print, 2013 - Tehran, 148 pages,  
illustrated  
Circulation: 1200, Price: 250,000 Rials  
Art & Content Director: Seyed Abbas  
Mir Hashemi, Farhad Soleimani  
Director of Production: Yousef Gerami  
Project Manager, Research and photo labels:  
Hossein Bahrami  
Graphics:  
Layout: Seyed Hamed Mir Hashemi  
Layout of Preface Pages: Hamed Jaberha  
retouch: Kamran Khatibi  
Editor: Ali Reza Ashtari  
Translation: Mojtaba Ahmad Khan  
Lithography: Farayand Gooya  
Printing: Noghreh Abi  
Binding: Ali

All material and spiritual rights related to  
photos and texts belong to the photographer  
and the publishers. Any illegal use shall be  
subject to prosecution.



جاده‌ی چالوس/ پاییز ۱۳۶۴

صرف چای و استراحت در یکی از سفرهای عکاسی در کنار استاد. ابراهیم هاشمی، یکی از اساتید هنر عکاسی در سال ۱۳۷۴ دار فانی را وداع گفت.

**Chalus road/ Autumn 1985**  
Tea and a rest during a photo expedition in the company of Master Ebrahim Hashemi, a master of photography who passed away in the year 1995.



اصفهان / مهر ۱۳۶۴ •

علی و حدیث دو فرزند عکاس، با شروع جنگ در بهبهان ساکن شدند و پس از بهاران مدرسه، از بهبهان مهاجرت کرده و در اصفهان ساکن شدند. پدر، اولین روز مدرسه رفتی حدیث را با برادرش ثبت کرد.

**Esfahan/ October 1985**  
"Ali" and "Hadith" the photographer's tow children took up residence first in Behbahan at the start of the war and migrated to Esfahan after the bombing of the primary school. Father has recorded Hadith's first day at school with her brother.

## درباره احمد علیزاده‌ی نوحی

احمد علیزاده‌ی نوحی، آبادان/ ۱۳۲۲  
فرزند چهارم یک خانواده‌ی پر جمعیت و اهل مطالعه عاشق رشته‌ی نقاشی و از علاقمندان ورزش و عضو تیم دسته دو بسکتبال شاهین آبادان بود.

سال ۱۳۴۱ با دیپلم ادبیات به استخدام آموزش و پرورش درآمد و با توجه به تجربه خوشنویسی اش دفتردار مدرسه شد. به دلیل علاقه‌ای که به کارهای فرهنگی داشت، حتی معلمی در یک کلاس شصت نفره راهم از دست نمی داد.

سال ۱۳۴۳ با پیگیری برادرش به عضویت انجمن عکاسی آبادان درآمد که حدود صد سال از تأسیس آن می گذشت. دوره مبتدی عکاسی را نزد استاد اسماعیل فتاحی که کارمند شرکت نفت بود، و بعد استاد منوچهر چهره‌نگار از عکاسان صاحب نام شیراز فرا گرفت. دوره تکمیلی عکاسی را با استاد سیدابراهیم هاشمی گذراند که بسیار اهل مطالعه بود، توصیه استاد به پشت کار، یادگیری زبان و مطالعه عمومی نقطه عطفی در زندگی او شد. ارتباط شاگردی را تا پایان عمر استاد حفظ کرد و طی این دوران از دانش و دقت و ظرافت ایشان در سفرهای متعدد عکاسی بسیار بهره برد. با دوربین قطع متوسط عکاسی می کرد و عاشق تیپ نگاری از مردم بود و معمولاً در ساحل رودخانه، بین نخیلات، حاشیه شهر به دنبال سوژه‌های خود می گشت.

آذر ۱۳۴۸ به استخدام بانک درآمد و وارد مجموعه‌ای شد که صداقت، امانت‌داری، نظم و سرعت عمل در آن دارای اهمیت بسیاری بود.

سال ۱۳۵۳ اولین نمایشگاه انفرادی خود را در آبادان و بعد دو نمایشگاه دیگر در تهران برگزار کرد. بانی نمایشگاه دوم او در تهران دکتر شفاییه بود.

در چهارم فروردین ۱۳۵۶ ازدواج کرد و اولین فرزند وی به نام علی در سال ۱۳۵۸ و دومین فرزند وی به نام حدیث در سال ۱۳۵۹ به دنیا آمدند.

اوایل سال ۱۳۵۹ که هنوز جنگ خود نمایی نکرده بود، ساکن بلوار مهر در خرمشهر شد. شروع جنگ برایش باور کردنی نبود و جنگ را به گونه‌ای می دانست که دشمن با چوب، شمشیر یا تفنگ وارد خانه‌ها شود. با این حال در باغچه‌ی حیاط خانه، گودالی را برای جان-پناه آماده کرده بود تا به عنوان سنگر از آن استفاده کنند. سنگری که سقف نداشت

تاچند روز بعد از آغاز جنگ با خانواده در خرمشهر ماند تا این که دشمن نزدیک شد و دیگر رفت و آمد در خرمشهر ممکن نبود. خانواده را برای امنیت بیشتر به خانه‌ی پدری اشان در آبادان فرستاد و تا چهل روز از وضعیتشان بی خبر بود بعدها مطلع شد که با وضعیت بحرانی آبادان، به اجبار به شهر بهبهان مهاجرت کرده‌اند.

بنیاد شهید آبادان برای عکاسی از چهره‌ی شهدایی که هویتشان معلوم نبود برای او حکم عکاسی صادر کرد. از این عکس‌ها فقط برای شناسایی توسط خانواده‌های مفقودین و شهدا استفاده می شد و در همین دوران بود که با دوربین صد و سی و پنج آشنایی بیشتری پیدا کرد.

با افزایش تعداد شهدا، افراد دیگری برای عکاسی در قبرستان مستقر شدند. برای انجام این ماموریت دو نوجوان پر جنب و جوش و جسور به نام‌های محسن چوبدار (که در سال ..... به شهادت رسید) و محمد حجازی (که در سال ..... مجروح شد) ، به وی معرفی شدند تا پس از آموزش و کسب آمادگی مختصر به عکاسی بپردازند.

این دو نفر بارها از خط مقدم عکاسی کردند و آثار با ارزشی از خود به یادگار گذاشته‌اند. با ادامه جنگ و احساس نیاز به ثبت وقایع، احمد علیزاده نوحی عکاسی از آبادان ، ویرانی‌ها، حاشیه‌ی شهر ، خطوط مقدم و به خصوص زندگی مردم در جنگ را ادامه داد.

در سال ۱۳۶۱ با عکس‌هایی از عملیات ثامن الائمه (شکست حصر آبادان) و عملیات بیت‌المقدس (آزادی خرمشهر)، نمایشگاهی گروهی در آبادان برگزار کرد.

برادرش سیامک (عباس) که بسیار پیگیر کارهای هنری و عکاسی ایشان و از فرماندهان جنگ بود، در عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید.

احمد علیزاده نوحی در سال ۱۳۶۶ به اصفهان مهاجرت کرد و در همان جا ماندگار شد.



خرمشهر، کوی آریا، خیابان ابوموسی / پاییز ۱۳۶۰ •

پس از عملیات شکست حصر آبادان، عکاس با ویرانی خانه اش مواجه شده است.

**Khoramshahr, Arya Alley, Abou Moossa Street/ Autumn 1981**

After the breaking of the siege on Abadan, the photographer faces his destroyed home.

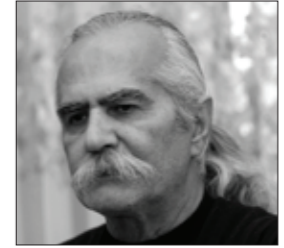
## Ahmad Alizadeh Noohi, Abadan/ born on 11th October 1943

4th child of a crowded family, he was studious, loved painting and was a member of the Shahin Abadan basketball team He became an employee of the Ministry of Education in the year 1962. Given his experiences in calligraphy, he became the school’s clerk and since he was greatly interested in cultural works, he would not even shy away from teaching in a classroom of sixty.

Encouraged by his brother, he joined the Abadan Association of Photography, which was established 6 years before. He learnt the preliminary principles of photography from Master Mohammad Reza Fatehi – an employee of the Minister of Petroleum – and Master Hassan Chehrenegar – a famous photographer in Shiraz. He completed his course under the training of Master Ebrahim Hashemi, with whom he maintained his relation until his demise, benefitting from his knowledge, precision and delicate points during numerous photo excursions. In this context, one should not forget the efforts of Engineer Khodadad Movaghar. He loved to study and the recommendations of Master Hashemi on determination, learning foreign languages and general studies were a milestone in his life. In December 1967 he was employed by a bank and he entered an environment where honesty, trustworthiness, accuracy, discipline and speed were of great importance. He took photos with a medium frame camera and he loved portraiture, seeking his subjects on the banks of the River, in the palm groves and in the suburbs. In the year 1973, he organized his first solo exhibition in the Staff Congress Hall of the Abadan Petroleum Company followed by two others in Tehran. Dr. Hadi Shafaeyeh acted as sponsor for his second exhibition in Tehran. He married on 24th March 1977. His first child Ali was born in the year 1978 and his second, Hadis in 1980.

In early 1980, when the war was still not serious, he took up residence in a newly built home at Mehr Boulevard of Khoramshahr. He could not believe the start of the war. His image of the war was the enemy bursting into the house wielding a bat, a sword or a gun. He dug a pit in his garden to as a sanctuary to protect his family, a trench with no roof. He stayed back in Khoramshahr for a few days at the start of the war. When the enemy drew nearer, it was no longer possible to move in the city. He sent his family to his father’s home in Abadan. He lost contact with them for 40 days; until he got the news that they had been forced to migrate to Behbahan. Throughout these days, his wife had shouldered all difficulties alone. In the midst of the war, the Abadan Martyrs Foundation assigned Ahmad to take photos of the martyrs to serve solely as a mean of identification by their families after their burial. As the number of martyrs increase, he engaged the assistance of two zealous and brave young men to train them. Mohsen Choobdar was martyred on 21st December 1983, while Mohammad Hejazi was wounded in the same year. These two took many photos of the frontline, and left valuable works behind. With the war dragging on and feeling a need to record realities, Alizadeh Noohi continued photographing the ruins of Khoramshahr and Abadan, the frontline and in particular the life of ordinary people during wartime. In the year 1982 he organized a group exhibition in Abadan where he displayed his photos of Samenol Aemeh operations (which broke the siege on Abadan) and Beitol Moghadass operations (which liberated Khoramshahr).

His brother Siamak (Abbas) who was a commander during the war was martyred during the Valfajr 8 operations. He was the brother who had directed Ahmad towards art and photography. Finally in the year 1983, he moved to Esfahan, where he still lives.



پرتوی عکاس / زمستان ۱۳۸۹

Portrait of Ahmad Alizadeh Noohi / Winter of 2010

احمد علیزاده نوحی از نسل انسان‌های فرهیخته، مطلع و خودساخته‌ی دوران پیش از انقلاب اسلامی، در جنوب ایران است. خلوص، گرمی و هوشمندی علیزاده در عکس‌های او بخوبی مشهود است. انتخاب بدیع در زاویه دید، بکر بودن لحظه‌های طبیعی و ترکیب بندی آگاهانه‌ی عکس‌ها، هر بیننده‌ای را معترف می‌کند که با عکاس متفاوت و حرفه‌ای روبروست. عکس‌های نوحی در مقایسه با عکاسان پیشرو آن دوران به سطح ممتازی از نگاه، نسبت به موضوعات پیرامون رسیده است. حضور او در سطح عکاسان حرفه‌ای دهه‌های گذشته ویژه است، اگر چه فضای حرفه‌ای در ایران خیلی سخت به وجود آن معترف می‌شود اما عکس‌ها به محض رویت، این حقیقت را راجع به او عیان و آشکار می‌کنند.

مردم جنوب ایران، اگرچه در آن دوران دست‌شان از مرکز دور بود، اما خود امکان بزرگ و استثنائی برای مرکزیت بسیاری از رویدادها و تحولات بنیادی در سطح زندگی آن روزگار بودند، تا آن‌جا که شهرنشینان مرکز رانیز تحت تأثیر خود قرار می‌دادند. شکل‌گیری بسیاری از استوانه‌های ادبیات معاصر، سینمای نوگرا و حتی نمونه‌ای برتر در عرصه‌های ورزشی و موسیقی از آن‌جا آغاز شد شاید بی‌غراق نباشد که مدرنیسم شهری در این سرزمین را مدیون آن‌ها باشیم.

احمد علیزاده نوحی در یک چنین فضایی تنفس می‌کرد و جزء نخستین‌های مواجهه با دنیای مدرن بود. آبادان نمونه‌ی یک شهر مدرن در ایران پیش از انقلاب است که وجود اولین نهاد‌های فرهنگی و اجتماعی وابسته به شهرنشینی پیشرفته را تجربه می‌کرد. اداره‌ی یک نهاد عظیم صنعتی که نمونه‌ی آن در دنیا بی‌نظیر بود، سیلی از افراد فرهیخته و تحصیل کرده‌ی آن دوره را جذب خود می‌کرد.

تأسیس کلوپ‌های فرهنگی، ورزشی و نیز انجمن‌های هنری کمک‌شایانی در رشد استعدادها و قوام شخصیت اجتماعی شهروندان این شهر داشت. عضویت علیزاده در انجمن عکاسان آبادان و دوستی او با چهره‌هایی هم‌چون مرحوم ابراهیم هاشمی و حسین چهره‌نگار شرایط بهتری را برای درک او از هنر عکاسی رقم زد.

نکته‌سنجی این دو بزرگوار مرز توقع در حرفه‌ای بودن این رسانه را برای وی آشکار ساخت، تجربه‌های متنوع او در عرصه‌ی نقاشی و خوش‌خطی و نیز ورود او به حوزه‌ی امانت‌داری و تعهد کاری در مشاغل حسابداری بانک و معلمی آموزش و پرورش همگی از او شخصیتی مدارا، هوشمند، واقع‌گرا و مردمی به وجود آورد.

بسیاری از عکس‌های او از جنگ به هیچ عکاس دیگری شبیه نیست، ریشه‌های این قوت را باید در گذشته عکاس جستجو کرد. گذشته‌ی آبادان، همراهی و آشنایی نزدیکش با فضای زندگی و بومی مردم شهر، کمک‌شایانی به عکاسی جنگ او کرده است.

چند عکس او امتیاز شایسته‌ای را در میان تاریخچه‌ی عکاسی جنگ ایران و عراق به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت این تصاویر، خود را عکاسانه نشان می‌دهند. لحظه‌های انسانی در عکس‌هایش چندان رقیق و سطحی نیست، یک اتفاق متفاوت در عکس‌ها باعث می‌شود که آن‌ها را ثبت کند. کافی است کمی با انصاف به لحظه‌ها و رفتارها در عکس‌هایش بنگرید کم‌کم در می‌یابید که با عکاس متفاوتی روبرو هستید.

محسن راستانی  
زمستان ۱۳۹۱



آبادان، بوارده‌ی شمالی، خیابان ناهید / شهریور ۱۳۵۳

Ahmad Alizadeh Noohi is from south of Iran and from a generation of educated, conscious and self-made individuals of pre-revolution era. Sincerity, warmth and intelligence are abundant in his works. Selection of a novel angle, the freshness of natural moments and the clever composition of Alizadeh Noohi's photos, the viewer is forced to confess that he or she is faced with a different and professional photographer. Looking at his photos and drawing a comparison with the works of avant-garde photographers of the period, one realizes the superior level of his vision and his special presence in the past decades. Although the Iranian photography circle admitted the existence of such individuals reluctantly - and very late - a simple glance at their photos suffices to sincerely reveal this truth. Despite the inaccessibility of the center for the southerners, they offered a great and exceptional opportunity as the hub for many fundamental events and changes in the lives of those days, affecting even the city dwellers in the capital. The formulation of many new waves of contemporary literature, innovative cinema and even superiority in Iranian sport and music originated from these territories, and it won't be farfetched if we also claimed that we are indebted to them of our urban modernism in Iran. Ahmad Alizadeh Noohi breathed this air and was among the firsts in facing the modern world. Abadan - an archetypal and exceptional city in pre-revolution Iran - was experiencing the first cultural and social bodies related to advanced urbanization. The administration of a large industrial concern - the Abadan Refinery - which was quite rare in the world attracted a large number of educated and learned individuals of the period as outstanding citizens. The availability of sport and cultural clubs and art associations was instrumental in the growth of talents and refinement of social characters of the Abadan citizens. The membership of Alizadeh Noohi in the Photo Society of Abadan and his friendship with personalities such as Ebrahim Hashemi and Hassan Chehrenegar, set the conditions for his deeper understanding of photography. The meticulous attention to details of these two masters clarified the professional expectations from a photographer for Alizadeh Noohi. The variety of experiences in the fields of painting and calligraphy and his commitment and trustworthiness as an accountant in a famous bank in parallel to teaching at school forged his patient, pragmatic and humane character. The roots of this forte can easily be observed in his photos of the war. Most of the war photos taken by Alizadeh Noohi are quite distinguished from the works of other photographers. A number of his photos have attained a special status in the photo-documentary of Iraq - Iran War. Some of his images are even more photographic than others. The human moments in these are neither light nor superficial, and in fact a different event has incited the urge in the photographer to record it. We just need to look fairly at the moments and comportments in these photos as seen from the angle of Alizadeh Noohi to understand little by little that we are dealing with a different photographer.

Mohsen Rastani / February 2013

ABADAN PHOTOGRAPHIC SOCIETY				
MEMBERSHIP REGISTRATION				
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QUANTITY	PRICE
1	حق عضویت			۱۲۰/۰
2	مبلغ ۱۲۰۰ ریال بابت شش ماه اول			
3	۱۳۵۸ دوازدهم شهری			
4	از آقای محمد علی کاشانی			
RECEIVED BY:		SIGNATURE BY:		

رسید پرداخت حق عضویت اعضای انجمن عکاسان آبادان، چند روز قبل از هجوم سراسری ارتش عراق به ایران

The receipt of the payment for the membership fee of the Abadan Association of Photographers, issued one day before the Iraqi army's all-out attack on Iran.



آبادان، اروندکنار / تابستان ۱۳۵۶